

## تحلیل و نقد شیوه و رویکرد تاریخ‌نگاری سبط ابن جوزی

### در گزارش واقعه عاشورا بر اساس کتاب تذکرة الخواص

محسن رنجبر\*

#### چکیده

پژوهش حاضر به بررسی و تحلیل شیوه و سبک تاریخ‌نگاری یکی از عالمان و مورخان نیمه نخست قرن هفتم نامور به شمس‌الدین یوسف بن قزاوغلی معروف به «سبط ابن جوزی»، می‌پردازد. با توجه آن که این مورخ، شیوه و رویکرد خاصی در گزارش واقعه عاشورا و حوادث و مسائل پیرامونی آن دارد، بررسی و تحلیل گزارش وی، نکات قابل توجه و تأملی را فراروی محققان قرار می‌دهد. افزون بر این، نویسنده در گزارش عاشورا، از منابع و مقاتلی بهره برده است که اکنون در دسترس نیست؛ بنابراین مطالعه و واکاوی گزارش او، افزون بر آن که آگاهی نسبی از ساختار و محتوای آنها را برای اندیشه‌ورزان تاریخ فراهم می‌سازد، تا حدودی نیز احیا و بازسازی آنها را با کمک آثار دیگر، فراهم می‌سازد.

**کلیدواژه‌ها:** تذکرة الخواص، سبط ابن جوزی، واقعه عاشورا، امام حسین(ع).

#### ۱. مقدمه

در میان آثار و نگاشته‌های عالمان و نویسندگان اهل سنت در باره قیام عاشورا، کتاب «تذکرة الخواص من الامة بذکر خصائص الائمة(ع)» نگاشته سبط ابن جوزی<sup>۱</sup> از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار است. علت این اهمیت را در امور ذیل می‌توان خلاصه کرد: نخست آن که نویسنده از منابع بسیاری در نگارش واقعه عاشورا بهره برده است که چنین امتیاز و ویژگی را در منابع معاصر و حتی قرون پیش و پس از وی در این حوزه، کم‌تر می‌توان یافت. دوم آن که عمده گزارش‌های خود را با ذکر منبع و

\*استادیار گروه تاریخ مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره). Ranjbar@qabas.net

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۲

راوی آن در آغاز هر گزارش، سامان داده است که این امر، شناسایی مأخذ هر خبر و ناقل هر گزارش را برای اهل فن و به ویژه پژوهش‌گران تاریخ عاشورا، آسان ساخته است. سوم، برخی از منابع مورد استفاده وی، از منابع و مقاتل قرون اولیه است که اکنون موجود نیست و می‌توان با تکیه بر این نگاشته و برخی از آثار دیگر، افزون بر آگاهی نسبی از ساختار و محتوای آنها و گرایش‌ها و رویکردهای نویسندگان آنها، تا حدودی به احیا و بازسازی آنها پرداخت.

## ۲. منابع و شیوه تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری ابن جوزی در گزارش عاشورا

سبط ابن جوزی نزدیک به یک سوم (یعنی ۱۶۸ صفحه) از جلد دوم کتاب «تذکره الخواص» را در قالب باب نهم، به شرح زندگانی و قیام امام حسین (ع) و حوادث پس از آن، اختصاص داده است (سبط ابن جوزی، ۱۴۲۶ ق : ۲ / ۱۱۵ - ۲۸۲). وی در آغاز پس از آن که به کنیه، القاب و تاریخ ولادت آن حضرت اشاره کرده، برخی از اخبار مربوط به مناقب و منزلت و جایگاه خاص حسین (ع) و امیرالمؤمنین (ع) و حضرت زهرا نزد رسول خدا (ص) و نیز برخی از گزارش‌ها را در باره مواضع امام حسین (ع) در برابر خلیفه دوم و مروان آورده است. او سپس ذیل عنوان «ذکر سیره مختصراً» به گزارش قیام عاشورا - که با گزارش مرگ معاویه و بیعت ستانی یزید آغاز می‌گردد - پرداخته است. در ادامه، پس از پرداختن به ماجرای مأموریت مسلم در کوفه و قیام وی و نیز حضور امام حسین (ع) در کربلا، به گزارش مقتل و شهادت آن حضرت، پرداخته است. اسامی شهدای بنی‌هاشم، ماجرای ارسال سرها و اسرا به دربار ابن زیاد و سپس به دربار یزید، برخی از مرثی‌ها در باره حسین (ع)، برخی از حوادث خارق‌العاده پس از شهادت آن حضرت، گزارش‌نامه یزید به ابن عباس و پاسخ او به یزید و اسامی و تعداد فرزندان آن حضرت، از دیگر موضوعات این باب است. نویسنده، دو فصل پایانی این باب را به شرح عقوبت و کیفر کشندگان امام حسین (ع) و یارانش، واقعه حره، قیام توأبین و مختار و آگاهی‌هایی در باره شخصیت و مثالب یزید و جواز لعن بر او، اختصاص داده است (سبط ابن جوزی، همان : ۲ / ۲۴۹ - ۲۸۲).

اما شیوه تاریخ‌نگاری سبط ابن جوزی این گونه است که او گزارش واقعه و حوادث پیرامونی آن را در قالب چند عنوان و فصل آورده و معمولاً در ابتدای هر عنوان، ابتدا به صورت ترکیبی، گزارش‌های مشترک و مورد پذیرش مورخان و

تحلیل و نقد شیوه و رویکرد تاریخ‌نگاری سبط ابن‌جوزی در... ۱۴۵

سیره‌نگاران را با تعبیری همانند «قال اهل السیر» (همان: ۲ / ۱۲۹)، «قال علماء السیر» (همان: ۲ / ۱۴۹ و ۱۴۱/۲)، «ذکر علماء السیر» (همان: ۲ / ۲۵۴) و یا با ذکر نام چند مورخ و سیره‌نگار آورده است (همان: ۲ / ۱۸۲ و ۲۳۷) و سپس به گزارش‌های متفرد در باره هر موضوع، پرداخته است.

نکته مهم و شایان توجه و تأمل در گزارش سبط ابن‌جوزی، بهره‌گیری بسیار او از گزارش‌های برخی از مقاتل کهن و کتب سیره‌نویسان و مورخان متقدم است که اکنون اثری از آنها نیست، اما با توجه به آن که نویسنده برخی از اخبار را از آن کتاب‌ها بدون واسطه نقل کرده است، به نظر می‌رسد که او نسخه‌ای از آنها را در اختیار داشته است. این نکته حاکی از آن است که مقاتل و آثار یاد شده تا نیمه قرن هفتم و پیش از یورش فراگیر مغول به بلاد اسلامی، موجود بوده است.

چنان که توجه و اهتمام او به گزارش‌های واقدی (م ۲۰۷ ق) (همان: ۲ / ۱۳۳ - ۱۳۴، ۱۳۸، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۵۷، ۱۶۳، ۱۷۱، ۱۸۲، ۱۸۷، ۱۹۳، ۲۰۹، ۲۱۲، ۲۳۷، ۲۴۰ و ۲۵۱) و هشام بن محمد بن سائب کلبی (م ۲۰۴ یا ۲۰۶ ق) (۱۳۵ - ۱۳۶، ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۵۶، ۱۶۳، ۱۷۲، ۱۸۲، ۱۸۵ - ۱۸۷، ۱۹۸ - ۱۹۹، ۲۰۳، ۲۰۶ - ۲۰۷، ۲۲۱، ۲۳۷، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۵۲، ۲۵۴) شاگرد ابومخنف - که بیشتر گزارش‌های او همان گزارش‌های استادش ابومخنف است - در گزارش واقعه، بر اهمیت و ارزش این اثر افزوده است. البته نویسنده در برخی جاها - چنان که در ادامه می‌آید - گزارش‌هایی را از هشام نقل کرده است که یا منقول از استادش ابومخنف نیست و یا معلوم نیست از او باشد. وجود این نوع گزارش‌ها، این دیدگاه را تقویت می‌کند که هشام کلبی اخبار درخور توجهی از این واقعه را در مقتل خود از غیر ابومخنف نقل کرده است که با توجه به فقدان مقتل هشام در عصر حاضر، وجود این گزارش‌ها در نگاشته‌امثال سبط ابن‌جوزی، مغتنم و حائز اهمیت و توجه است.

از دیگر محدثان، مورخان و مقتل‌نویسانی که نویسنده از آثار آنها در نگارش گزارش واقعه و حوادث و مباحث پیرامونی آن، بهره برده است، می‌توان به این افراد، اشاره کرد: عامر بن شراحیل شَعْبِی (م ۱۰۳ ق) (همان: ۲ / ۱۷۹، ۱۸۶، ۲۰۴، ۲۱۵، ۲۱۹ و ۲۲۶)، مُجَاهِد بن جَبْرِ (م ۱۰۴ ق) (همان: ۲ / ۱۹۷)، محمد بن سیرین (م ۱۱۰ ق) (همان: ۲ / ۱۵۰، ۱۸۲، ۲۳۳). در باره شرح حال او، ر. ک: ذهبی، ۱۴۱۳ ق: ۴ /

۶۰۶ - ۶۲۲؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۳ ق: ۹ / ۱۹۰ - ۱۹۲)، محمد بن مسلم بن شهاب زهري (م ۱۲۴ ق) (همان: ۲ / ۱۹۶، ۲۰۴، ۲۱۴ - ۲۱۵، ۲۱۸ - ۲۲۰، ۲۴۹)، اسماعیل بن عبدالرحمان ابی کریمه سُدی کوفی (م ۱۲۷<sup>۱</sup> یا ۱۲۹ ق<sup>۲</sup>) (سبط ابن جوزی: ۲ / ۱۳۳، ۲۱۰، ۲۲۲، ۲۳۳ و ۲۵۳). همچنین ابومخنف ماجرای دعوت امام حسین (ع) برای پیوستن زهیر بن قین به آن حضرت را به نقل از سُدی گزارش کرده است (طبری، ۱۳۸۷ ق: ۵ / ۳۹۶) - از اصحاب امامان چهارم، پنجم و ششم (ع) (طوسی، ۱۴۱۵: ۱۰۹، ۱۲۴، ۱۶۰) - محمد بن اسحاق<sup>۳</sup> (م ۱۵۱ ق) (سبط ابن جوزی: ۲ / ۱۴۵، ۱۸۲ و ۲۳۷)، عبدالملک بن هشام<sup>۴</sup> (م ۲۱۸ ق) (همان: ۲ / ۲۰۱ - ۲۰۲)، مدائنی (م ۲۲۵ ق) (همان: ۲ / ۱۷۹، ۱۸۶ و ۲۲۵) محمد بن سعد (م ۲۳۰ ق) (همان: ۲ / ۱۵۷ - ۱۵۸، ۱۷۲، ۱۸۱، ۱۹۹ - ۲۰۰، ۲۱۳ - ۲۱۴، ۲۲۶، ۲۲۹، ۲۳۲، ۲۴۷، ۲۵۹ و ۲۶۱ - ۲۶۲)، احمد بن حنبل (م ۲۴۱ ق) (همان: ۲ / ۲۳۶)، عبدالله بن عمرو و رزاق (م ۲۷۴ ق) (همان: ۲ / ۱۹۱ و ۲۰۸)، بلاذری (م ۲۷۹ ق) (همان: ۲ / ۱۹۸ و ۲۰۸)، ابن ابی الدنيا (م ۲۸۱ ق) (همان: ۲ / ۱۸۴، ۱۸۸، ۱۹۷ و ۱۹۹)، طبری (همان: ۲ / ۱۵۵، ۱۸۵ و ۲۰۵)، مسعودی (همان: ۲ / ۱۶۱) و ابوالفرج عبدالرحمان بن جوزی (جدّ مادری نویسنده) (همان: ۲ / ۱۵۴، ۲۲۹ - ۲۳۰، ۲۴۹، ۲۶۶ و ۲۶۷).

نکته دیگر آن که نویسنده در برخی موارد، بدون مشخص کردن دقیق پایان هر گزارش منقول، ادامه گزارش‌ها را با تعابیری همانند «ثم»، «لما»، «قلت» و... بدون ذکر مأخذ، آورده است که به نظر می‌رسد در صورت عدم احتساب و الحاق ادامه گزارش به قبل آن، نویسنده یا گزارش‌های بی‌مأخذ را مشهور و مورد اتفاق و پذیرش مورخان و سیره‌نگاران، دانسته است، در نتیجه، ذکر مأخذ آن را ضرورت ندانسته است (برای نمونه، ر. ک: همان: ۲ / ۱۳۰ - ۱۳۲، ۱۳۸ - ۱۴۴، ۱۴۶ - ۱۴۷، ۱۴۹ - ۱۵۰، ۱۵۲ - ۱۵۳، ۱۵۹ - ۱۶۳، ۱۶۵ - ۱۷۱، ۱۸۹، ۱۹۳، ۲۵۵ - ۲۶۱، ۲۶۳ - ۲۶۴ و ۲۷۶ - ۲۷۹) و یا یک گزارش و خبر را بر اساس دیدگاه‌ها و بررسی‌ها و جمع‌بندی‌های خود، ترجیح داده و آن را آورده است.<sup>۵</sup> چنان که در برخی موارد، به بیان اقوال مختلف در باره یک موضوع پرداخته، اما در آغاز (برای نمونه، ر. ک: همان: ۲ / ۲۰۶) و یا پایان آن (برای نمونه، ر. ک: همان: ۲ / ۱۶۶ - ۱۶۶) قول مختار را بیان کرده است.

افزون بر این، نویسنده در برخی موارد، به سنت و روش مورخان و محدثان متقدم، برخی از گزارش‌ها را با ذکر سلسله سند آن، نقل کرده است (همان: ۲ / ص ۱۱۹ - ۱۲۳، ۲۰۱، ۲۱۱، ۲۱۶، ۲۳۱، ۲۳۶ و ۲۶۹ - ۲۷۰).

نکته آخر آن که سبط ابن جوزی هرچند امویان و کارگزاران آنان را به هر شیوه‌ای، مورد جرح و تنقیص قرار می‌دهد (همان: ۲ / ص ۱۲۷)، اما چون عامی مذهب است و وفادار به خلفای سه‌گانه، می‌کوشد تا رابطه خلفا را با ائمه (ع) و از جمله حسنین (ع) مناسب و نیکو جلوه دهد. برای نمونه، او به نقل از ابن عباس، گزارش می‌کند که خلیفه دوم، حسنین (ع) را دوست داشت و آن دو را بر فرزندش عبدالله بن عمر مقدم می‌داشت! عمر به هریک از آن دو ده هزار درهم داد! اما به فرزندش هزار درهم! عبدالله چون به پدرش اعتراض کرد، عمر در پاسخ او به برتری جد، پدر، مادر، جده و دیگر خویشان حسنین (ع)، استدلال کرد (همان: ۲ / ص ۱۲۵ - ۱۲۶).

در مجموع، گزارش نویسنده از واقعه عاشورا از آغاز تا فرجام و حوادث پیرامونی آن، از نکات تازه و ویژگی‌های خاصی برخوردار است که فهرست وار در ذیل به آن پرداخته می‌شود:

### ۳. گزارش‌های نو و درخور توجه و تأمل

۱. گزارش نامه مفصل یزید به ابن عباس مبنی بر بازداشتن امام حسین (ع) از قیام و پاسخ ابن عباس به وی به نقل از واقدی<sup>۹</sup> (همان: ۲ / ص ۱۳۴ - ۱۳۶).
۲. تهدید ابن زیاد به کشتن اشراف کوفه، در صورتی که آنان حاضر به پراکنده کردن افراد قبایل خود از گرد مسلم بن عقیل نشوند (همان: ۲ / ص ۱۴۳).
۳. چگونگی شهادت طفل شیرخوار امام (ع) به نقل از هشام کلبی<sup>۱۰</sup> (همان: ۲ / ص ۱۶۴).
۴. بیان اقوال پنج‌گانه در باره کشته شدن امام حسین (ع). البته از دیدگاه نویسنده، قول صحیح‌تر آن است که سنان بن انس نخعی با مشارکت شمر، آن حضرت را شهید کردند (همان: ۲ / ص ۱۶۶ - ۱۶۷).
۴. گزارش قرآن به دست گرفتن امام حسین (ع) و اتمام حجت آن حضرت با سپاه عمر سعد و... به نقل از هشام کلبی (همان: ۲ / ص ۱۶۳ - ۱۶۴).
۵. گزارش سخنان توهین‌آمیز عمرو بن حجاج - فرمانده جناح راست سپاه عمر سعد - خطاب به امام (ع) که این سخنان گران‌تر و سخت‌تر از منع آب بر آن حضرت بود، به نقل از واقدی (همان: ۲ / ص ۱۵۲).
۶. گزارش تکفین امام حسین (ع) توسط شجره غلام زهیر بن قین<sup>۱۱</sup> (همان: ۲ / ص ۱۸۱).

۷. ماجرای اسیری امام سجاد(ع) نزد مردی از کوفیان به نقل از واقدی<sup>۱۲</sup> (همان: ۲ / ۱۸۷).
۸. گزارش توهین ابن زیاد به سر مبارک امام حسین(ع) به پیشنهاد کاهن او به نقل از هشام کلبی (همان: ۲ / ۱۸۵).
۹. جریان تقویر سر امام حسین(ع) به نقل از مقتل عبدالله بن عمرو وراق<sup>۱۳</sup> (م ۲۷۴ق) (همان: ۲ / ۱۹۱).
۱۰. اعتراض سفیر قیصر روم به یزید به نقل از هشام کلبی.<sup>۱۴</sup> (همان: ۲ / ۱۹۹ - ۲۰۰).
۱۱. بیان پنج قول در باره مکان دفن سر امام(ع). او در پایان افزوده است که هر جا که سر و پیکر امام(ع) باشد، در قلب‌ها و دل‌ها جای داشته و در اعماق دل‌ها و خاطره‌ها، زنده است (همان: ۲ / ۲۰۶ - ۲۰۹).
۱۲. بیان قول الحاق سر به بدن و دفن آن به نقل از هشام و اشهر دانستن آن (همان: ۲ / ۲۰۶).
۱۳. توصیف سر آویخته حضرت عباس بر گردن اسب حرمه بن کاهل اسدی در کوفه به نقل از هشام کلبی و او به نقل از قاسم بن اصیغ بن ثباته (همان: ۲ / ۲۵۲ - ۲۵۳).
۱۴. فرجام بد حرمه بن کاهل اسدی به نقل از هشام کلبی و او به نقل از قاسم بن اصیغ بن ثباته (همان: ۲ / ۲۵۳).
۱۵. نامه یزید به ابن عباس (پس از شهادت امام(ع)) و پاسخ وی به نقل از واقدی، هشام، ابن اسحاق و دیگران<sup>۱۵</sup> (همان: ۲ / ۲۳۷ - ۲۴۰).
۱۶. تصمیم یزید بر قتل ابن عباس پس از خواندن پاسخ نامه او به نقل از واقدی (همان: ۲ / ۲۴۰).
۱۷. گفته یزید زمانی که آن مرد شامی درخواست کرد که فاطمه دختر حسین(ع) به او واگذار شود: «من حق دارم شما را اسیر کنم!»؛ به نقل از ابن جوزی (جد نویسنده) (همان: ۲ / ۲۷۷).
۱۸. تکریم و تجلیل و اعطای اموال و هدایا به ابن زیاد توسط یزید پس از شهادت امام(ع) به نقل از ابن جوزی (جد نویسنده) (همان: ۲ / ۲۷۷).
۱۹. اشاره به اجباری بودن ازدواج سکینه دختر امام حسین(ع) با مُصعب بن زبیر (همان: ۲ / ۲۴۴).
۲۰. خواستگاری اجباری عبدالرحمان بن ضحاک بن قیس فُهری حاکم مدینه از فاطمه دختر امام حسین(ع) و عدم پذیرش او ... (همان: ۲ / ۲۴۸).

۲۱. گزارش حسد ورزیدن مختار به سلیمان بن صرد و ادعای نیابت وی از سوی محمد بن حنفیه بدون ذکر مأخذ (همان: ۲ / ۲۵۶).

#### ۴. تلخیص، حذف و یا نقل به معنا، سبب تفاوت در گزارش‌ها

از دیگر ویژگی‌های گزارش واقعه عاشورا در کتاب «تذکره الخواص» آن است که نویسندگان در موارد بسیاری، به تلخیص و نیز نقل غیردقیق تعابیر و جملات اخبار مورخان متقدم یا حذف قسمتی از یک خبر و یا حتی نقل به معنا در نقل گزارش‌های مقاتل و منابع کهن، به ویژه گزارش‌های هشام کلبی کرده است. این امر سبب ابهام و یا حتی در مواردی، اشتباه در نقل گزارش‌های آنان شده است. در مجموع، گزارش مؤلف تفاوت‌هایی با گزارش‌های منابع کهن موجود به ویژه، گزارش طبری از هشام دارد که این موضوع با بررسی و مقایسه، قابل اثبات است:

۱. ماجرای دستگیری قیس بن مُسهر صیداوی و شهادت وی به نقل از هشام کلبی (همان: ۲ / ۱۴۸؛ مقایسه شود با طبری، ۱۳۸۷ ق: ۵ / ۳۹۴ - ۳۹۵).
۲. گزارش شش سطری بسیار مختصر، مبهم و نارسا از اعلام حمله عمر سعد به سپاه امام(ع) در عصر تاسوعا و حوادث شب عاشورا به نقل از هشام کلبی (همان: ۲ / ۱۵۶؛ مقایسه شود با طبری، ۱۳۸۷ ق: ۵ / ص ۴۲۰ - ۴۲۱).
۳. اسامی شهدای بنی‌هاشم و قاتلان آنان به نقل از هشام کلبی (همان: ۲ / ۱۷۲ - ۱۷۸؛ مقایسه شود با طبری، ۱۳۸۷ ق: ۵ / ۴۶۸ - ۴۶۹).
۴. جریان ارسال سرها و اسرا به دربار ابن زیاد به نقل از هشام کلبی، واقندی و ابن اسحاق (همان: ۲ / ۱۸۲؛ مقایسه شود با طبری، ۱۳۸۷ ق: ۵ / ۴۵۵ - ۴۵۶).
۵. ماجرای حضور امام سجاد(ع) در مجلس ابن زیاد و تهدید به کشتن او توسط ابن زیاد به نقل از هشام کلبی (همان: ۲ / ۱۸۶؛ مقایسه شود با طبری، ۱۳۸۷ ق: ۵ / ۴۵۸).
۶. گزارش توهین ابن زیاد به اهل بیت(ع) و پاسخ دندان‌شکن حضرت زینب به او به نقل از هشام کلبی (همان: ۲ / ۱۸۷ - ۱۸۸؛ مقایسه شود با طبری، ۱۳۸۷ ق: ۵ / ۴۵۷).
- البته نویسندگان در این جا ترتیب وقایع را رعایت نکرده و این گزارش را پس از گزارش گفت‌وگوی ابن زیاد با امام سجاد(ع) (گزارش پیشین) آورده است.
۷. ماجرای درخواست مرد شامی از یزید که فاطمه دختر امام حسین(ع) را به او ببخشد و واکنش حضرت زینب نسبت به این موضوع به نقل از هشام کلبی (همان: ۲ / ۲۰۳ - ۲۰۴؛ مقایسه شود با طبری، ۱۳۸۷ ق: ۵ / ۴۶۱).

۸. گزارش جریان قیام توأیین به نقل از هشام کلبی (همان : ۲ / ۲۵۴ - ۲۵۵؛ مقایسه شود با طبری، ۱۳۸۷ ق : ۵ / ۵۵۲).
۹. گزارش ارسال سر امام(ع) به شام و دست‌وریزید به زنان خود برای برپایی سه روز عزاداری (همان : ۲ / ۱۹۹؛ مقایسه شود با ابن سعد، ۱۴۰۸ ق : ۱۹۱ - ۱۹۲).
۱۰. اظهار تأسف ربیع بن خثیم از شهادت امام(ع) (همان : ۲ / ۲۱۵؛ مقایسه شود با ابن سعد، ۱۴۰۸ ق : ۱۹۶).
۱۱. اشعار سلیمان بن قته در رثای امام حسین(ع) (همان : ۲ / ۲۲۷؛ مقایسه شود با ابن سعد، ۱۴۰۸ ق : ۲۰۱).
۱۲. گزارش کوتاه مشاهده خون زیر هر سنگ پس از شهادت امام(ع) همان : ۲ / ۲۳۲؛ مقایسه شود با ابن سعد، ۱۴۰۸ ق : ۱۹۹ - ۲۰۰).

## ۵. گزارش‌های واقدی

از دیگر مورخان و مقتل‌نویسان متقدم که معاصر با هشام کلبی است، واقدی است که مقتل الحسین او نیز از میان رفته است، اما به نظر می‌رسد سبط ابن جوزی نسخه‌ای از آن را در اختیار داشته و در تدوین و ساماندهی این کتاب از آن بهره برده است. اگرچه بسیاری از گزارش‌های واقدی، همان گزارش‌های هشام است و یا دست کم، شباهت بسیاری با گزارش‌های وی دارد، اما برخی از آنها منحصر به فرد است و تنها و نخستین راوی آن، واقدی است. البته برخی از این گزارش‌ها را محمد بن سعد نیز آورده است، اما با توجه به آن که ابن سعد شاگرد و کاتب واقدی است، به نظر می‌رسد او آن گزارش‌ها را از استادش واقدی گرفته است. بنابراین با بررسی گرایش‌های راویان این اخبار یعنی واقدی و شاگردش ابن سعد و مطالعه محتوایی اخبار آنها می‌توان به میزان اعتبار اخبار این دو مورخ رهنمون شد. در ادامه به مهم‌ترین این گزارش‌ها پرداخته می‌شود :

۱. گزارش تفصیلی محتوای نامه یزید به ابن عباس مبنی بر بازداشتن امام حسین(ع) از قیام و پاسخ ابن عباس به وی<sup>۱۶</sup> (همان : ۲ / ۱۳۴ - ۱۳۶).
۲. ماجرای نکوهش امام حسین(ع) توسط عبدالله بن عمر که با خروج خود از مکه و روانه شدن به سوی کوفه، در طلب دنیا است!<sup>۱۷</sup> (همان : ۲ / ۱۳۸).



۳. سخنان توهین‌آمیز عمرو بن حجاج - فرمانده جناح راست سپاه عمر سعد - خطاب به امام(ع) که این سخنان دشوارتر و گران‌تر از منع آب بر آن حضرت بود(همان: ۲/ ۱۵۲).

۴. ماجرای اسیری امام سجاد(ع) توسط مردی از کوفیان<sup>۱۸</sup> (همان: ۲/ ۱۸۷).

۵. گزارش ارسال سرها به به مدینه و گریه و بی‌تابی زنان اهل بیت(ع) (همان: ۲/ ۲۱۲).

۶. تصمیم یزید بر قتل ابن عباس پس از خواندن پاسخ نامه او (همان: ۲/ ۲۴۰).

۷. گزارش چرایی و چگونگی نابینایی پیرمرد کوفی (همان: ۲/ ۲۵۱).

### ۶. گزارش‌هایی متفاوت از هشام کلبی

چنانکه گفته شد، یکی از ویژگی‌های روایت نویسنده از واقعه عاشورا، استناد به گزارش‌های مقتل‌نویسان نخستین از جمله هشام کلبی - شاگرد ابومخنف و راوی مقتل او - است. اما این ویژگی زمانی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد که نویسنده گزارش‌هایی را از هشام نقل می‌کند که به هیچ‌رو در منابع متقدم همانند تاریخ طبری - که ناقل اخبار مقتل هشام کلبی(طبری، همان: ۵/ ۳۵۶، ۳۸۶، ۴۰۱، ۴۰۹، ۴۴۹، ۴۵۵، ۴۵۹، ۴۶۳، ۴۶۵ و ۴۶۷) نیز است - منعکس نشده است. در باره چنین رویکردی، دو احتمال وجود دارد. نخست آن که مقتل هشام به همان سرنوشت مقتل استادش ابومخنف دچار شده است و همان‌طور که گزارش‌های مجعول و ضعیف به نام ابومخنف از همان قرون اولیه در آثار بعدی راه یافته است، جاعلان و خبرسازان، اخباری نیز جعل کرده و به هشام نسبت داده‌اند، تا اخبار یاد شده، مورد توجه و پذیرش نسل‌های بعدی قرار گیرد.

اما احتمال دوم که قابل پذیرش‌تر به نظر می‌رسد، آن است که مورخانی همانند طبری که گزارش‌گر اخبار مقتل هشام نیز است، به عللی از جمله گرایش‌های اعتقادی و مذهبی، به همه گزارش‌های او نپرداخته است، اما سبط ابن‌جوزی که در قرن هفتم نسخه‌ای از مقتل هشام را در اختیار داشته، همه و یا بیشتر آن اخبار به جای مانده را به ویژه اخبار هشام از غیر ابومخنف را در کتاب خود آورده است. به هر تقدیر، مهم‌ترین گزارش‌هایی که نویسنده به نقل از هشام آورده است و در منابع متقدم بر عصر نویسنده، یا وجود ندارد یا به نقل از غیر هشام است (همانند گزارش ۶) و یا مسلم نیست ناقل آن هشام باشد (همانند گزارش ۷ و ۸)، چنین است:

۱. گزارش قرآن به دست گرفتن امام حسین(ع) و اتمام حجت آن حضرت با سپاه عمر سعد و... (همان: ۲ / ۱۶۳ - ۱۶۴. مقایسه شود با طبری، همان: ۵ / ۴۲۴ - ۴۲۵).
۲. چگونگی شهادت طفل شیرخوار (همان: ۲ / ۱۶۴).
۳. گزارش توهین به سر مبارک امام حسین(ع) توسط ابن زیاد به پیشنهاد کاهن او (همان: ۲ / ۱۸۵).
۴. اعتراض سفیر قیصر روم به یزید به نقل از هشام و او از پدرش (همان: ۲ / ۱۹۹ - ۲۰۰).
۵. الحاق سر مطهر امام(ع) به بدن و دفن آن (همان: ۲ / ۲۰۶).
۶. نامه یزید به ابن عباس (پس از شهادت امام(ع)) و پاسخ وی (همان: ۲ / ۲۳۷ - ۲۴۰).
۷. توصیف سر آویخته حضرت عباس بر گردن اسب حرمه بن کاهل اسدی در کوفه به نقل از قاسم بن اصیغ بن نباته<sup>۱۹</sup> (همان: ۲ / ۲۵۲ - ۲۵۳).
۸. فرجام بد و سپاه حرمه بن کاهل اسدی به نقل از قاسم بن اصیغ بن نباته (همان: ۲ / ۲۵۳).

## ۷. افتراق و تفاوت‌های گزارش ابن جوزی با گزارش‌های مشهور

از دیگر نکات شایان توجه این کتاب، تفاوت ناقلان برخی از گزارش‌ها با ناقلان اخبار و گزارش‌های مشهور است.

۱. نویسنده، ناقل گزارش قرائت آیه شریفه: «فخرج منها خائفا یترقب...» توسط امام حسین(ع) را هنگام خروج از مدینه، اسماعیل بن عبدالرحمان ابی کریمه سدی دانسته است، در حالی که طبری ناقل آن را ابومخنف دانسته است (همان: ۲ / ۱۳۳).
۲. مؤلف، نامه یزید به ابن عباس (پس از شهادت امام(ع)) و پاسخ وی را به نقل از واقدی، هشام و ابن اسحاق آورده است (همان: ۲ / ۲۳۷)، در حالی که - چنان که گفته شد - خوارزمی این گزارش را با ذکر سلسله سند آن، به نقل از «شقیق بن سلمه» نقل کرده است. اما چون آثار واقدی، هشام و ابن اسحاق موجود نیست، معلوم نیست آنان از چه کسی یا کسانی این خبر را نقل کرده‌اند.

## ۸. گزارش‌های غیرمعتبر

- در کنار گزارش‌های معتبر و قابل توجه نویسنده، برخی از گزارش‌های او غیر معتبر و یا دست کم، ضعیف می‌باشد:
۱. تأیید مجدد پیشگویی ابن عباس توسط امیرالمؤمنین(ع) در جریان گزارش بازداشتن

ابن عباس امام حسین(ع) را از توقف در مکه و پیشنهاد رفتن به یمن<sup>۲۰</sup> (همان: ۲ / ۱۳۷). به نظر می‌رسد انتساب چنین سخنی به امیرالمؤمنین(ع)، ساخته و پرداخته مورخان عصر عباسی باشد که اولاً، اعتقادی به مقام عصمت و علم غیب ائمه(ع) ندارند، ثانیاً، برای خوشامد خلفای عباسی، چنین فضیلتی را برای ابن عباس نگاشته‌اند تا با این شیوه، از خلفای عباسی نیز ستایش کرده باشند.

۲. دعا و طلب آمرزش امام حسین(ع) برای برادرش امام حسن(ع) در شب عاشورا به سبب پیشگویی درست آن حضرت در باره فریب و بی‌وفایی کوفیان. او پیش از آن، این سخن و وصیت نامعتبر را به امام حسن(ع) نسبت داده است که هنگام وفات به برادرش امام حسین(ع) فرمود: خدا منع کرده که میان ما اهل بیت نبوت و دنیا و یا خلافت و سلطنت را با هم قرار دهد! (همان: ۲ / ۱۵۹).

۱. احتساب حضرت عباس به عنوان نخستین شهید از بنی‌هاشم به نقل از شعبی (همان: ۲ / ۱۸۰).

۲. ارسال سر امام(ع) و سرهای دیگر شهیدان به کوفه نزد ابن‌زیاد توسط عمر سعد (همان: ۲ / ۱۸۲). اما بر اساس گزارش منابع معتبر (بلاذری، ۱۴۱۷ ق: ۳ / ۴۱۱؛ طبری، ۱۳۸۷ ق: ۵ / ۴۵۵)، سر امام(ع) در روز عاشورا به همراه خوئی بن یزید و حمید بن مسلم به کوفه فرستاده شد.

۳. استشهاد امام سجاد(ع) به آیه‌ای از قرآن در برابر خواندن شعر «حُصین بن حِمام مُرّی» توسط یزید(سبط ابن‌جوزی، همان: ۲ / ۱۹۸). اما بر اساس گزارش طبری، استشهاد آن حضرت در برابر یک ادعای ناحق و نابجای یزید بود (مقایسه شود با گزارش طبری، ۱۳۸۷ ق: ۵ / ۴۶۱).

۴. گزارش مفصل در باره ارتباط و همنشینی سکینه دختر امام حسین(ع) با شعرا، ادبا و فضلا!<sup>۲۱</sup> (سبط ابن‌جوزی، همان: ۲ / ۲۴۵ - ۲۴۷).

## ۹. نتیجه‌گیری

از آنچه نگاشته شد، می‌توان به این نتیجه رهنمون شد که هر چند سبط ابن‌جوزی از مورخان مسلمان سده‌های میانی است، اما تاریخ‌نگاری و رویکرد تاریخی (تاریخ‌نگری) او به قیام عاشورا از معاصرانش و حتی برخی از مورخان متقدم بر او، متمایز است. سبب این تمایز را می‌توان در این دو امر، خلاصه کرد: نخست، در اختیار داشتن شمار قابل توجه از منابع و مقاتل اولیه و نیز اخبار و گزارش‌های پراکنده از محدثان اولیه که

اکنون موجود نیست. این ویژگی، در کنار بیان بسیاری از گزارش‌ها با ذکر ناقل و یا مآخذ آن، بررسی‌سندی و محتوایی اخبار منابع و مقاتل کهن مورد استفاده نویسنده را تا حد زیادی، آسان ساخته است. دوم: دیدگاه معتدل مذهبی او که به جز خلفای سه‌گانه، شخصیت و عملکرد خلفا و حاکمان اموی و عباسی و کارگزاران‌شان و به ویژه، مسیبان واقعه عاشورا را مورد نکوهش و هجمه قرار داده و رفتار آنان را نسبت به علویان و به ویژه اهل بیت (ع)، محکوم کرده و مردود دانسته است. این امتیاز، سبب شده تا گزارش او تا حد زیادی، منصفانه و قابل پذیرش باشد.

### پی‌نوشت

۱. در باره شخصیت، زندگی، آثار و مذهب وی، ر. ک: جمعی از محققان، ۱۳۷۴ ش: ۳ / ۲۷۸ - ۲۸۱ (مدخل ابن جوزی یا سبط ابن جوزی)؛ مقدمه تحقیق کتاب تذکره الخواص، تحقیق حسین تقی‌زاده؛ مقاله «معرفی و بررسی کتاب تذکره الخواص نگاشته سبط ابن جوزی»، به قلم نگارنده، فصلنامه تاریخ اسلام در آینه پژوهش، ۱۳۹۲ ش، ش ۳۵. در مقاله یاد شده به زندگی، مذهب و شخصیت علمی وی و معرفی و نقد و بررسی محتوایی کتاب تذکره الخواص، پرداخته شده که از تکرار آن در این نگاشته پرهیز شد.
۲. مسعودی، ۱۴۰۹ ق: ۳ / ۴۳۷؛ ذهبی، ۱۳۸۲ ق: ۴ / ۳۰۵؛ ابن عماد حنبلی، ۱۴۰۶ ق: ۳ / ۲۷.
۳. ابن ندیم، [بی تا]: ۱۰۸؛ ذهبی، ۱۳۷۴ ق: ۸ / ۳۴۳.
۴. مزنی، ۱۴۰۶ ق: ۳ / ۱۳۸؛ ذهبی، ۱۴۱۳ ق: ۵ / ۲۶۵؛ همو، ۱۴۰۷ ق: ۸ / ۱۶؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴ ق: ۱ / ۲۷۴.
۵. مزنی، ۱۴۰۶ ق: ۳ / ۱۳۸.
۶. با توجه به آن که ابن اسحاق، کتاب «المغازی» خود را در سه قسمت «المبتدأ و المبعث و المغازی» سامان داده است و این کتاب - چنانکه از نامش پیداست - نمی‌تواند مشتمل بر گزارش واقعه عاشورا باشد، پرسش آن است که آیا ابن اسحاق اثر یا آثار دیگری نیز داشته که سبط ابن جوزی اخبار عاشورا را از آنها نقل کرده است؟ پاسخ آن است که آثاری دیگری همانند کتاب الخلفاء - که ابن ندیم از آن یاد کرده است (بی تا: ۱۰۵) - و کتاب الفتوح به ابن اسحاق نسبت داده شده است که اکنون موجود نیست، اما به نظر می‌رسد آثار یاد شده در اختیار سبط ابن جوزی بوده است. بنابراین محتمل است سبط ابن جوزی گزارش تاریخ عاشورا را از کتاب الخلفاء و یا کتاب الفتوح وی - که به احتمال قوی، بخشی از هر دو یا یکی از آنها، در باره واقعه عاشورا بوده است - نقل کرده باشد. البته چون هیچ‌یک از این دو اثر بر جای نمانده است - و تنها پاره‌ای از کتاب «الخلفاء» مربوط به مقتل عمر و ماجرای شورش نفره انتخاب خلیفه، به جای مانده است - قضاوت قطعی در این باره، دشوار است. جهت آگاهی

- بیشتر در این باره، ر. ک: فؤاد سزگین، ۱۴۱۲ ق: ۱ / الجزء الثاني، ۸۹ - ۹۱؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴ ش: ۳ / ۹ (مدخل ابن اسحاق).
۷. در این که او نیز نگاهشته‌ای مستقل در باره واقعه عاشورا داشته یا سیره ابن اسحاق را توسعه داده و ضمن نگارش تاریخ عمومی اسلام، به واقعه کربلا نیز پرداخته است و یا همانند ابن اسحاق کتابی در باره خلفا و یا فتوحات اسلامی داشته و ضمن آن به قیام عاشورا پرداخته، احتمالاتی است که جای بحث و بررسی بیشتر دارد.
۸. برای نمونه، نویسنده تنها در باره تعداد زخم‌های بدن امام حسین (ع). و آمار پارگی لباس آن حضرت یک قول را بیان کرده است (همان: ۲ / ۱۶۸ - ۱۶۹).
۹. البته ابن سعد (۱۴۰۸ ق: / ش ۱۰، ۱۶۸ - ۱۶۹) و بعدها ابن عساکر (۱۴۱۴ ق: ۲۹۶ - ۲۹۷) به پیروی از او، به اختصار و با تفاوت‌هایی، به نامه یزید و پاسخ ابن عباس پرداخته‌اند.
۱۰. البته مستوفی هروی مترجم کتاب الفتوح در قرن ششم (یک قرن پیش‌تر از سبط ابن جوزی) مشابه گزارش نویسنده را بدون ذکر منبع، این گونه آورده است: «[حسین بن علی (ع)] طفل شیرخوار خود را که علی اصغر نام داشت و از تشنگی اضطراب می‌نمود، در پیش زین گرفته میان هر دو صف بُرد و آواز برآورد: ای قوم، اگر من به زعم شما گناهکارم، این طفل گناهی نکرده او را جرعه‌ای آب دهید. چون آواز حسین شنیدند، یکی از آن گروه تیری به سوی آن حضرت روان کرد. آن تیر بر گلوی آن طفل شیرخواره آمد و از آن سوی بر بازوی حسین (ع) رسید. آن حضرت تیر را بیرون آورد و هم در آن ساعت آن طفل جان بداد. آن سرور آن طفل را آورد و به مادرش داد و فرمود: بگیر فرزند خود را که از حوض کوثر سیراب گردید.» (محمد بن احمد مستوفی هروی، ۱۳۷۲ ش: ۹۰۸).
۱۱. نویسنده، مأخذ این گزارش را نیاورده است، اما تنها منبع متقدم بر این خبر، مقتل الحسین ابن سعد است که به نظر می‌رسد او از واقعی نقل کرده است (ابن سعد، ۱۴۰۸ ق: ۱۹۰).
۱۲. البته تنها گزارش کهن در این باره، گزارش ابن سعد است که به نظر می‌رسد او نیز از واقعی گرفته است (ابن سعد، ۱۴۰۸ ق: ۱۸۸). این گزارش بسیار بعید و دور از واقعیت است، از این رو نمی‌توان پذیرفت.
۱۳. البته خوارزمی پیش‌تر از وی، به جریان تقویر سر امام (ع) اشاره کرده است (خوارزمی، ۱۴۱۸ ق: ۲ / ۵۸).
۱۴. خوارزمی این گزارش را با سلسله سند و با اضافات و تفصیل بیشتر به نقل از امام سجاد (ع)، بیان کرده است (۱۴۱۸ ق: ۲ / ۸۰ - ۸۱). سیدابن طاووس نیز این خبر را به صورت مرسل از امام سجاد (ع) نقل کرده است (۱۳۸۳ ش: ۲۲۰ - ۲۲۲).
۱۵. یعقوبی ([بی تا]: ۲ / ۲۴۷-۲۵۰) پیش‌تر از سبط ابن جوزی - با تفاوت‌هایی - و نیز خوارزمی (م ۵۶۸ ق) و ابن اثیر این گزارش را نقل کرده‌اند، اما نکته شایان توجه آن که خوارزمی این

- گزارش را با ذکر سلسله سند و به نقل از «ابووائل شقیق بن سلمه» (م ۸۲ ق) نقل کرده است (خوارزمی، ۱۴۱۸ ق : ۲ / ۸۵ - ۸۷). همچنین ابن اثیر این گزارش را به نقل از «شقیق» اما مرسل، نقل کرده است (۱۳۸۵ ق : ۴ / ۱۲۷ - ۱۲۸). به نظر می‌رسد گزارش واقدی، هشام و ابن اسحاق دست‌کم، با یک سلسله سند دیگر بوده است.
۱۶. ابن سعد (۱۴۰۸ ق : ۱۶۸ - ۱۶۹) و به پیروی از او، ابن عساکر (۱۴۱۴ ق : ۲۹۶ - ۲۹۷) به اختصار و با تفاوت‌هایی، به نامه یزید و پاسخ ابن عباس پرداخته‌اند.
۱۷. البته تنها منبع متقدم بر «تذکره الخواص»، مقتل الحسین ابن سعد است که او نیز از استادش واقدی گرفته است (همان : ۱۶۶).
۱۸. البته تنها منبع متقدم بر «تذکره الخواص»، مقتل الحسین ابن سعد است که او نیز از استادش واقدی گرفته است (همان : ۱۸۸).
۱۹. البته تنها شیخ صدوق این خبر و ادامه آن را - که فرجام بد حرمله باشد - نقل کرده است (۱۳۶۸ ش : ۲۱۸ - ۲۱۹).
۲۰. مؤلف نخستین بار تأیید پیشگویی ابن عباس توسط امیرالمؤمنین (ع) را در جریان حوادث نبرد صفین و قرآن بر سر نیزه کردن سپاه معاویه، آورده است (همان : ۱ / ۴۲۴).
۲۱. در رد این ادعا، ر.ک: سید عبدالرزاق مُقَرَّم، ۱۴۲۲ ق؛ سیدمحمدعلی الحلو، ۱۳۸۶ ش، ترجمه محمد خنیفرزاده.

## کتاب‌نامه

- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم، (۱۳۸۵ق)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت : دارصادر.
- ابن حجر عسقلانی، شهاب‌الدین احمد بن علی، (۱۴۰۴ق)، *تهذیب التهذیب*، چاپ اول، بیروت : دارالفکر.
- ابن سعد، محمد، (۱۴۰۸ ق)، *ترجمه الحسین (ع) و مقتله*، تحقیق سید عبدالعزیز طباطبایی، مجله «تراثنا»، ش ۱۰.
- ابن عساکر، علی بن حسن بن هبة‌الله شافعی، (۱۴۱۴ ق)، *ترجمه الامام الحسین □ من تاریخ دمشق*، تحقیق محمدباقر محمودی، قم : مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة.
- ابن عماد حنبلی دمشقی، شهاب‌الدین ابوالفلاح عبدالرحی بن احمد، (۱۴۰۶ ق)، *شذرات الذهب فی اخبار من ذهب*، تحقیق عبدالقادر و محمود ارزووط، بیروت : دار ابن کثیر.
- ابن ندیم، ابوالفرج محمد بن ابی‌یعقوب اسحاق، (بی تا)، *کتاب الفهرست*، تحقیق رضا تجدد، [بی جا] : [بی نا].
- ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب بن جعفر، (بی تا)، *تاریخ الیعقوبی*، بیروت : دارصادر.
- بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۴۱۷ ق)، *کتاب جمل من انساب الاشراف*، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، چاپ اول، بیروت : دارالفکر.

تحليل و نقد شیوه و رویکرد تاریخ‌نگاری سبط ابن جوزی در... ۱۵۷

- جمعی از محققان، (۱۳۷۴ش)، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ج ۳، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- خوارزمی، ابوالمؤید موفق بن احمد (اخطب خوارزم)، (۱۴۱۸ق)، *مقتل الحسین* □، تحقیق محمد السماوی، چاپ اول، قم: دارانوار الهدی.
- ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد، (۱۳۷۴ق)، *تذکرة الحفاظ*، بیروت: دارالتراث العربی.
- ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد، (۱۳۸۲ق)، *میزان الاعتدال فی تقد الرجال*، تحقیق علی محمد بجای، بیروت: دارالمعرفة.
- ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد، (۱۴۰۷ق)، *تاریخ الاسلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العربی.
- ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد، (۱۴۱۳ق)، *سیر أعلام النبلاء*، تحقیق جمعی از محققان، چاپ نهم، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- سبط ابن جوزی، شمس‌الدین ابوالمظفر یوسف بن حسام‌الدین قزواغلی بن عبدالله، (۱۴۲۶ق)، *تذکرة الخواص من الامة بأذکر خصائص الائمة (ع)*، تحقیق حسین تقی زاده، چاپ اول، [بی‌جا]: مرکز الطباعة و النشر للمجمع العالمی لاهل البيت (ع).
- سزگین، فؤاد، (۱۴۱۲ق)، *تاریخ التراث العربی*، نقله الی العربیة: محمود فهمی حجازی، (المجلد الاول: الجزء الثاني فی التدوین التاريخی)، چاپ دوم، قم: مکتبة آية الله العظمی المرعشی النجفی.
- سید ابن طاووس، علی بن موسی بن جعفر، (۱۳۸۳ش)، *المهوف علی قتلى الطفوف*، تحقیق و تقدیم فارس تبریزیان (الحسون)، چاپ چهارم، تهران: دارالاسوة.
- صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، (۱۳۶۸ش)، *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، چاپ دوم، قم: منشورات الرضی.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۳۸۷ق)، *تاریخ الامم و الملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث.
- طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۵ق)، *رجال الطوسی*، تحقیق جواد قیومی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- مزّی، جمال‌الدین ابوالحجاج یوسف، (۱۴۰۶ق)، *تهذیب الکمال فی أسماء الرجال*، تحقیق بشار عواد معروف، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- مستوفی هروی، محمد بن احمد، (۱۳۷۲ش)، *ترجمه الفتنوح*، تحقیق غلام‌رضا طباطبائی مجد، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- مسعودی، علی بن الحسین، (۱۴۰۹ق)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقیق اسعد داغر، چاپ دوم، قم: دارالهجرة.
- مقرّم، سید عبدالرزاق، (۱۴۲۲ق)، *السیاسة سکینة*، بیروت: دارالاضواء.